

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از زمره مسائل مبتلابه دانشگاهها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور، رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی است؛ بگونه‌یی که در یکی دو دهه اخیر، گذشته از تصویب و ابلاغ آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مختلف، شاید دهها گردهمایی و نشست تخصصی و کارگروه و کمیسیون و مانند اینها برای بررسی مشکلات این عرصه برگزار گردیده و می‌گردد. پرسش مبنایی در این باره چنین است که برآستی تلقی و انتظار ما از تدوین و نگارش رساله دانشجویی چیست و این معنا بویژه در ساحت علوم انسانی چه انعکاسی دارد؟ برخی ملاحظات در این زمینه بدین قرار است:

۱. گزافه نیست بگوییم رساله دانشجویی فارغ از مقطع تحصیلی، نوعی تمرین و ممارست پژوهشی در عرصه‌یی از عرصه‌های تخصصی دانش است. رساله و پایان‌نامه زمینه‌یی است برای آشنایی دانشجو با سازوکار تحقیق، منابع و مصادر تخصصی و بویژه آشنایی با شیوه استنتاج و استخراج نتایج جدید و نوآورانه در آن عرصه پژوهشی. این انتظار، انتظار اندکی نیست که دانشجو در پایان یک دوره آموزشی بتواند هم مهارت‌های فنی خود را عملاً بکار گیرد و هم استعداد خلاقیت و ابداع خویش را به فعلیت برساند، به همین جهت، نظام آموزشی حاضر باید در این معنا درنگ کند که آیا قادر به تحقق همین حد از انتظار هست یا خیر.

۲. فرهنگ ایرانی و اسلامی ما دارای پیشینه غنی و درازمدتی در عرصه پژوهش‌های علمی است. این پژوهش‌ها انحاء مختلفی از تحقیق و تتبع و گردآوری و تحشیه و تعلیق و تصحیح و ترجمه را تجربه کرده‌اند و از این جهت پشتمانه عظیمی از فعالیت و محصول علمی را برجای گذارده‌اند. با این حال هنوز هم مرزهای دقیق تحقیق و تتبع و گردآوری برای اغلب دانشجویان و محصلان ما روشن نیست و اینکه پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها متوجه کدامیک از انحاء فعالیت علمی باید باشد. اگر امروز بخش قابل توجهی از پایان‌نامه‌ها صورت اقتباس و گردآوری محض دارند و از خلاقیت و مسئله‌محوری خالی هستند، در

۵



اصل به ابهام در اهمیت و ارزش و شیوه گردآوری بازمیگردد. بسیاری از آثار مهم علمی عالم در دانشهای محض و کاربردی صورت گردآوری دارد (مانند فرهنگها و دانشنامه‌ها و دائرةالمعارفها)، لیکن بر مبنای اصول و قواعد معین و نیز با اهداف و نتایج روشن. اگر دانشجویان ما همینقدر هم بتوانند مجموعه داده‌های یک حوزه تخصصی را بشکل منظم و مضبوط و هدفمند گزارش کنند، کار مهم و ارزشمندی را صورت خواهند داد؛ درحالی که آنچه عملاً مشاهده میشود از بسیاری جهات با اصول تتبع و گردآوری نیز ناسازگار است.

۳. امروزه اصطلاح «مسئله محوری» در فرایند بسیاری از داورها و ارزیابها وارد شده است. دقت در این اصطلاح برای راهبری به مقاصد پژوهش بسیار اهمیت دارد، لیکن دشواری مطلب اینجاست که مسئله چگونه و کی و کجا در ذهن و ضمیر پژوهشگر نقش میندند؟ واقعیت این است که اولاً، بسیاری از نوشته‌ها و آثار یا از مسئله و مسائل اصلی فاصله دارند و یا اساساً در فهم و تشخیص مسئله به خطا رفته‌اند و ثانیاً، در تشخیص اولویت یا اولویتها به اشتباه رفته‌اند. واضحتر بگوییم بفرض آشنایی استاد و دانشجو با اصول و قواعد و شیوه پژوهش، طیف عظیمی از رساله‌ها متوجه مسائل و موضوعاتیند که دغدغه اصلی و مبتلا به کشور و تاریخ و فرهنگ ما نیست. میتوان پرسید در ساحت فلسفه، چند درصد از رساله‌های دانشجویی به پژوهش و کشف میراث و سنت و فرهنگ تاریخی ما پرداخته است! آگاهی از افکار و اندیشه‌های دیگران و نقش و اهمیت آنها در خودآگاهی تاریخی و قومی ما بر کسی پوشیده نیست، لیکن تفاوت میان فرهنگ و تاریخ ریشه‌دار و بی‌ریشه بسیار زیاد است. ملت ایران از دو میراث بزرگ ایرانیت و اسلامیت توأمان برخوردار است و این امتیاز در هیچ تجربه تاریخی دیگر بچشم نمیخورد. اکنون با گذشت نزدیک به یک قرن از تأسیس نهاد دانشگاه در کشور، بسیاری از وجوه علمی، تاریخی و فرهنگی ملت ما همچنان دست نخورده باقیمانده و یا باجمال معرفی شده‌اند. شایسته است استادان و صاحب‌نظران و اصحاب علم و فلسفه با تشویق و ترغیب و هدایت دانشجویان و جوانان، ظرفیت این میراث بزرگ و بینظیر را از زوایای تاریک و فراموش شده تاریخ خارج ساخته و امروز و فردای این ملت فرهمند و فرهیخته را به پشتوانه آن میراث مستحکم سازند. بی‌تردید امید و اعتماد به نفس واقعی هر قوم به آگاهی از ریشه‌ها و پیشینه معنوی آن بازمیگردد و دست تطاول بیگانه نیز همیشه متوجه فراموشی و ادبار ملتها به پیشینه اصیل خویش بوده است.

سردبیر

